

برسلونه ـ پرشلونه

برسم ـ زرتشتی، دین

بُرسی، رضی‌الدین حافظ، رجب‌بن محمد، عارف و عالم شیعی قرن هشتم و نهم، شهرت وی بیشتر در علوم غیریه است. در اشعار خود «حافظ»، «بُرسی» و یا «حافظ بُرسی» تخلص کرده است. تا چند قرن پس از مرگش، در هیچیک از تذکره‌ها ترجمه یا شرح حالی از او نیامده است. براساس این بیت او: و فی المؤلک والمتحید / بُرسیا و جیلیا (امینی، ج ۷، ص ۶۷) و نظر مؤلف ریاض‌العلما (افتندی اصفهانی، ج ۲، ص ۴۳)، اصلش را می‌توان از جله و زادگاهش را بُرس دانست. اما خوانساری (ج ۳، ص ۳۲۷) و امین (ج ۶، ص ۴۶۵) او را بُرس‌الاصل و ساکن حله گفته‌اند. اطلاق نام بُرس بر نقاط متعدد، از جمله محلی در نزدیکی حله و نیز روستایی در خراسان، ایجاد شبهه کرده است. بعضی (امین، همانجا؛ مدرس تبریزی، ج ۲، ص ۱۱)، با توجه به نزدیک بودن بُرس به حله، احتمالاً او را از بُرس حله می‌دانند، در حالی که بعضی ویژگیها در آثارش از جمله استفاده از نامهای ایرانی، چون انوش و کیومرث و افراسیاب و لهراسب و ضحاک در مشارق انوار‌الیقین (حافظ بُرسی، ص ۵۹) و همچنین نامش (رجب)، که در اعلام عربی نادر است، احتمال ایرانی بودن وی را تقویت می‌کند. از سوی دیگر اختیار تخلص، که رسم شاعران پارسی‌گوی است، از ایرانی بودن یا اقامت طولانی او در ایران و یا علاقه‌ او به ادب پارسی حکایت می‌کند (شیخی، ص ۲۴۱-۲۴۰).

براساس پاره‌ای قرایین، از علمای او اخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم و می‌توان گفت در طبقه شاگردان شهید اول^{۱۰} (۷۸۶-۷۳۴) بوده است: (۱) در آغاز نسخه‌ای خطی از مشارق‌الامان، این کتاب تألیف رجب‌بن محمد‌الترسی و تاریخ تألیف آن ۸۱۱ اعلام شده است. (۲) در نسخه‌ای از مشارق‌الانوار (مدرسه عالی سپهسالار، ج ۵، ص ۵۶۸)، تاریخ نگارش آن ذیحجه ۸۱۳ ثبت شده است؛ مؤلف ریاض‌العلما نیز، با استناد به برخی نسخه‌های این کتاب، تاریخ تألیف آن را ۸۱۳ احتمال داده است (افتندی اصفهانی، ج ۲، ص ۳۰۷). بنابراین، بررسی تا ۸۱۳ زنده بوده است. (۳) به نوشته حُرّ عاملی (ج ۲، ص ۱۱۸)، بررسی در مشارق‌الانوار می‌گوید که بین تاریخ تألیف کتابش و تولد حضرت مهدی علیه‌السلام ۵۱۸ سال فاصله است که به این حساب می‌باشد در ۷۷۳ یا ۷۷۸ مشغول تألیف آن بوده باشد.

نقۀ‌الاسلام تبریزی (ج ۱، ص ۹۶) براساس عبارتی که از بررسی

اینکه بالآخره رُزه^{۱۱}، امیر انطاکیه، او را در دانیش، واقع در شرق نهر عاصی^{۱۲}، شکست داد. برست خود را برای انتقام آماده می‌کرد که خود و برادرش زنگی در ۵۱۰ درگذشتند. با مرگ وی و درگذشت سلطان محمد، که دو سال بعد روی داد، عمر دخالت سیاسی این دودمان بر ضد فرانکها نیز به پایان رسید.

از این پس، درست وقتی از آخرین وارثان برست، که بار دیگر در خوزستان مستقر شده‌اند، نام برده می‌شود که اختلاف میان سلجوقیان بالا گرفته است. در این زمان آقی بوری و پسران زنگی و ایلکی در لشکری که سلطان محمود به جنگ عموش سنجیر اعزام کرد شرکت داشتند و برستین برستین برست در جنگهای پیچیده عراق سفلی شرکت جسته بود. پس از مرگ محمود، دو برادر، طغرل و برست عشو گروه طغرل بودند که از سنجیر حمایت می‌کرد و پس از مرگ سنجیر به گروه طرفدار داد پیوستند، که از حمایت خلیفه برخوردار بود؛ با این حال، بموقع با فاتح نهایی یعنی مسعود (۵۳۱-۵۲۹) از در سازش درآمدند. معلوم نیست کسی که به روایت ابن‌ابی طی (به نقل ابن‌فرات، ج ۲، گ ۱۱۵ آپ) با نام حمزه‌بن برست حاکم شوستر بوده و در ۵۳۳ از دنیا رفته یکی از همین دو برادر بوده است یا نه؟ به هر حال، این آخرین بار است که نام یکی از اعضای این خانواده به میان می‌آید و بعد از این نامی از بازماندگان آنها در میان امیران دست نشانده خوزستان نمی‌یابیم.

ضمّناً آقی سنقر برستی^{۱۳} در آغاز کار از کارگزاران برست اول بوده است.

منابع: ابن‌ابیر، *الکامل فی التاریخ*، چاپ تورنیرگ، لندن ۱۸۵۱-۱۸۷۶، ج ۱۱، فهرست؛ ابن‌فرات، *تاریخ الدول والملوک*، نسخه خطی وین؛ ابن قلانسی، *ذیل تاریخ دمشق*، چاپ آمدوزو؛ افتح بن علی بستانی، *تاریخ سلسلة سلجوقي*، ترجمة محمد‌حسین جبلی، تهران ۱۳۵۶ش؛ محمدین علی رادنی، *کتاب راحۃ الصدور و آیۃ السرور در تاریخ آل سلجوقي*، چاپ محمد اقبال، تهران ۱۳۲۳ش، فهرست؛ یوسفین فراوغلى سبط ابن‌جوزی، *مرآۃ الزمان*، نسخه خطی کتابخانه ملی تراپس، بخش کتب عربی، ش ۴۵۰۶.

Cl. Cahen, *La Syrie du Nord*, 251-253, 271-274

Anna Comnena, *Alexiad*, Bonn ed.; Grousset, *Histoire des Croisades*, I, 463ff., 495ff.; Ibn'Ibrī, *Chronography*, tr. Budge.

/ ک. کاهن (د. اسلام) /

بُرسقی ـ آقی سنقر

بررسی در راه تبلیغ عقیده خود از اندیشیدها و اصطلاحات و تعبیرات فلسفی و عرفانی (مانند عقل فعال، فیشن اول) بهره می‌بُسته و به سخنان بزرگان تصرف و عرفان، از جمله حجاج و صحی الدین ابن عربی استناد می‌کرده و تحت تأثیر اشعار صوفیانه کسانی چون ابن فارض^۵ بوده است. همچنانکه شیوه‌های حروفیه^۶ را نیز در رسیدن به مقصود به کار می‌گرفته است (شیبی، ص ۲۵۸، ۲۶۲-۲۶۳).

آثار:

(۱) خطی: الف) اسرارالائمه که در مشارق الانوار نیز درج شده است. ب) انشاءالتوحید والصلوات على النبی و آل الائمه الہادیة علیهم السلام. ج) الانفین فی وصف سادةالکوئین که نسخهای خطی از آن در کتابخانه حسینیه شوشتريها در نجف (ش ۳۱۶/۲) موجود بوده است (آقا بزرگ طهرانی، ج ۲، ص ۲۹۹؛ دانشپژوه و حاکمی، دفتر ۱۱ و ۱۲، ص ۸۵۲). د) الْذَّلِّالُّصَّمِينَ فی ذِكْرِ خَمْسَةِ آیَةٍ نَزَّلَتْ مِنْ كَلَامِ رب العالمین فی فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام نسخهای خطی تقریباً با همین نام و محتوا در کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار سابق) وجود دارد که احتمالاً همین اثر بررسی است. ه) مشارق الانمان و لباب حقائق الایمان. این کتاب خلاصه مشارق انوارالیقین است و در فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی (ج ۱۱، ص ۶۸۲) اشتباهآ تفسیر سوره فاتحه دانسته شده است. و) کتابی درباره مولد نبی صلی اللہ علیہ و آللہ سلم و فاطمه و امیرالمؤمنین علیهم السلام و فضایل آنها (آقا بزرگ طهرانی، ج ۲۲، ص ۲۲۶؛ این، ج ۶، ص ۴۶۶).

(۲) چاپی: الف) مشارق انوارالیقین فی حقائق اسرار امیرالمؤمنین علیه السلام، این کتاب، که نسخهای خطی فراوانی از آن موجود است، بارها در هند، ایران و لبنان به صورت پر غلط و غیر انتقادی چاپ شده است. ب) لوماع انوارالتحمیج و جوامع اسرارالتحویج؛ این رساله، که نسخهای خطی فراوانی دارد، به مثالب مقدمه یا ذیل مشارق الانوار است و در آغاز مشارق در ده صفحه چاپ شده است. ج) اشعار که عمدتاً در مدح و رثای ائمه اطیفار علیهم السلام بوده و مبنی آراء و عقاید بررسی است. علامه امینی (ج ۷، ص ۵۴-۶۷) بیت از این اشعار را نقل کرده و در کتاب شعراء الجله (شاقانی، ج ۲، ص ۳۷۱-۳۹۲) حدود پانصد بیت از آن ذکر شده است. شیخ محمدبنین طاهر سماوی نیز خود حفظصد بیت از اشعار او را در مجموعهای گرد آورده است (آقا بزرگ طهرانی، ج ۹، ص ۱۳۲).

د) تفسیر سوره الاخلاص (رساله‌ای کوتاه تقریباً در ۱۵۰ سطر). این رساله در آخر کتاب وحدت از دیدگاه عارف و حکیم چاپ شده و از آن نسخهای خطی متعددی موجود است. در فهرست کتابخانه ملی (ج ۹، ص ۴۹۶) کتابی به نام خفی‌الاسرار به بررسی

نقل کرده، تاریخ تألیف مشارق الانوار را ۷۷۸ دانسته است؛ ولی رقم اخیر ظاهراً تاریخ تألیف کتاب دیگری است که احتمالاً با مشارق یکجا تجلید شده بوده است.

ظاهراً حسن بن محمد دیلمی، مؤلف ارشادالقلوب و اعلامالدین، که دوران زندگی او را بین ۷۲۶ تا ۸۴۱ تخمین زده‌اند (مقدمه مصحح اعلامالدین)، نخستین کسی است که از بررسی مطلبی نقل کرده است. دیلمی در پایان جلد دوم ارشادالقلوب (ص ۴۴۶) که در انتسابش به او تردید است، قصیده‌ای از بررسی در مدح امام علی علیه السلام نقل کرده است. پس از او کفعی در المصباح (ص ۳۶۳، ۳۱۶، ۱۸۳، ۱۷۶) که در ۸۹۵ بد پایان آمده و در رساله المقام‌الاسنی فی تفسیرالاسماء/الحسنی (ص ۲۷)، از آثار بررسی مطالبی اورده است بی‌آنکه اندک اشاره‌ای به شرح حال او کرده باشد. پس از وی فیض در کلمات مکننه، مجلسی در بخار، و جزایری در الانوارالنعمانیه مطالبی از بررسی نقل کرده‌اند.

بررسی به ائمه اطهار علیهم السلام تعلق خاطر زیاد داشته و روایات بسیاری در مقامات معنوی ایشان نقل و شرح کرده است. شمار فراوانی در این زمینه سروده است، به همین سبب برخی اشعار فراوانی در این زمینه سروده است. او را سرزنش کرده و به وی نسبت غلوّ داده‌اند. حُرّ عاملی او را افراطی دانسته است (ج ۲، ص ۱۱۷). علامه مجلسی مشارق الانوار و الفین او را حاوی مطالبی موهمن، اشتباه و خلط صحیح و سقیم و غلوّ‌آمیز دانسته و گفته است که از روایات او تنها آنچه را که با کتب معتبر مطابق است نقل کرده است (مجلسی، ج ۱، ص ۱۰). هاشم معروف حسنی (ص ۲۹۳) معتقد است که در کتاب مشارق الانوار، حدّها حدیث دروغ نقل شده است. او می‌گوید که بررسی در میان شیخیه و کشیقیه و غلات طرفداران بسیار دارد. در مقابل، علامه امینی (ج ۷، ص ۳۷-۳۴)، در عین آنکه به اعتماد بررسی بر علم حروف و اعداد به دیده انکار نگریسته، از او دفاع کرده و مقاماتی را که بررسی برای ائمه ثابت دانسته پاییتر از مرتبه غلوّ و نسبت نبوت خوانده است. بدعاقدیه برخی، بررسی به دلیل تبحر در حکمت و عرفان و پی‌بردن به بعضی از مقامات ائمه و نقل آنها به غلوّ در حق آنان متهم شده است. ظاهراً بررسی در عصر خویش نیز نکوش می‌شده، چنانکه خود در چند جای مشارق الانوار بد این مطلب اشاره کرده است (ص ۱۵-۱۶، ص ۲۲۱-۲۲۲). او برای خود گنجایی جز حُبّ علی علیه السلام و نشر و تبلیغ اسرار او نشناخته و خود را از غلوّ و تفویض می‌دانسته و بصراحت کسانی را غالی شمرده که برای بندگان خدا مقام ریوبی قائل شده و فرایش دینی را ترک کرده‌اند (همان، ص ۶۹ و ۲۱۰). با اینهمه، تحلیل درست آنچه بررسی گفته بر بررسی مفهوم غلوّ در کلام شیعی متوقف است.

برسیان، مسجد جامع

۱۰۵

زین العابدین مقصوم علیشاه، طرائق الحفائت، چاپ محمد جعفر
محجوب، ج ۳، تهران ۱۳۴۵/۱۳۹، ش.

/ رضا مختاری /

برسیان، ده (جمعیت طبق سرشماری ۱۳۶۵ ش، ۱۳۹۵ تن)، جزو هفتستان پرآن شمالی، بخش حومه شهرستان اصفهان، برسیان در ارتفاع ۱۵۱۳ متری، در حدود ۳۶ کیلومتری جنوب شرقی شهر اصفهان قرار دارد. زاینده رود از جانب جنوبی آن می‌گذرد. محصولات مهم آن گندم، جو و ترهبار است. از پوشش گیاهی، خاکستری و گل ختمی آن اهمیت دارد. باگهای مسیوه از جمله سبب آن مشهور است. از صنایع دستی آن قالی‌بافی است و قالیهای امام‌زاده شاهمراد، امام‌زاده شاهمردان، امام‌زاده شاهلنگرو و امام‌زاده شمس‌الله دارد. از آثار تاریخی آن مسجد جامع است (ـ برسیان^۴، مسجد جامع) که در پیرامون آن قلعه‌ای از خشت با خندقی دیده می‌شود. کاروانسرای نیز از دوره صفویه، معروف به کاروانسرای شاه‌عباسی، دارد که در دوره قاجار مرمت شده است. مزرعه جلیل آباد در دو کیلومتری جنوب شرقی، جزو آن شمرده می‌شود. نام برسیان در نزهة القلوب آمده است. به نوشته حمدالله مستوفی (ص ۵۱) در دوره وی برآن هشتاد پارچه دیه داشت از جمله برسیان. احداث کاروانسرای آن در دوره صفویه، و مرمت آن در دوره قاجاریه نشان‌دهنده این است که برسیان در مسیر جاده مهمی قرار داشته است. در دوره قاجاریه برسیان از دهات مشهور برآن شمرده می‌شد (ارباب اصفهانی، ص ۳۰۶).

منابع: محمد‌ Mehdi بن محمد رضا ارباب اصفهانی، نصف جهان فی تعریف الاصفهان، چاپ منوچهر ستوده، تهران ۱۳۴۰ ش؛ ایران، وزارت دفاع، اداره جغرافیای ارتش، فرهنگ جغرافیایی آبادیهای کشور جمهوری اسلامی ایران، ج ۷۱؛ اصفهان، تهران ۱۳۶۷ ش؛ ایران، وزارت کشور، اداره کل آمار و بنت احوال، کتاب جغرافیا و اسامی دهات کشور، ج ۳، تهران ۱۳۲۱ ش؛ حمدالله بن ابی بکر حمدالله مستوفی، کتاب نزهۃ القلوب، چاپ گی لسترنج، تهران ۱۳۶۲ ش؛ حبیب‌علی رزم آرا، فرهنگ جغرافیایی ایران (آبادیها)، ج ۱۰؛ استان دهم (اصفهان)، تهران ۱۳۵۵ ش؛ ابوالقاسم ربعی مهرآبادی، آثار ملی اصفهان، تهران ۱۳۵۲ ش، ص ۸۱۵، ۸۱۴، ۸۱۵ متر کام ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن مهرماه ۱۳۶۵، فرهنگ آبادیهای کشور: شهرستان اصفهان، تهران ۱۳۶۸ ش.

/ خسرو خسروی /

برسیان، مسجد جامع، مسجدی از عصر سلجوقی در برسیان. از کهترین مساجد ایران است و کتیبه‌های مساز و

نسبت داده شده که همان مشارق الانوار است.

مدفن برسی به طور قطع معلوم نیست. مقصوم علیشاه (ج ۳، ص ۷۱) محل آن را بی‌ذکر مأخذ و دلیل، قبرستان قتلگاه مشهد ذکر می‌کند که مدفن طبرسی، صاحب مجمع‌البيان، نیز در آنجاست. قمی (ص ۱۸۱) نیز به گفته شیرازی اشاره کرده است؛ هر چند شبی (ص ۲۴۱) در فهم مقصود وی اشتباه کرده و برداشت‌هایی نادرست داشته است. خوانساری (ج ۳، ص ۳۴۵) شنیده است که قبر او در وسط باغی در اردستان واقع است. مدرس تبریزی (ج ۲، ص ۱۱) نیز همین گفته را تکرار کرده است. بد قولی، بنای مشهور به بقیه حافظ رجب که امروز روبه ویرانی است و مقدمات تجدید بنای آن فراهم می‌شود، در شمال زواره است و تا چند سال پیش، از مراکز مهم زیارتی و تفریحی مردم اردستان زواره و توابع بوده است (گلی زواره، ص ۱۱).

منابع: آستان قدس رضوی، کتابخانه مرکزی، فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، ظلیف مهدی ولائی، مشهد ۱۳۴۶ ش؛ محمد محسن آلبازرگ طهران، التریعه الى تصانیف الشیعه، چاپ علی نقی متزوی و احمد متزوی، بیروت ۱۹۸۲/۱۴۰۳؛ عبدالله بن عیسی‌النندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، چاپ احمد حسینی، قم ۱۱۴۰ محسن امین، اعيان الشیعه، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ عبد‌الحسین ابینی، الغدیر فی الكتاب والسنۃ والادب، بیروت ۱۹۶۷/۱۳۸۷؛ علی بن موسی لفظ‌الاسلام تبریزی، مرآة الکتب، [سی جا] ۱۳۶۳ ش؛ وجیبن محمد حافظ برسی، مشارق الانوار، چاپ افست تهران [سی تا]؛ محمدبن حسن حرامی، اهل‌الامر، چاپ احمد حسینی، ج ۲، قم ۱۳۶۲ ش؛ هاشم معروف حسینی، الموضوعات فی الآثار والأخبار، بیروت ۱۹۷۳؛ علی خاناتی، شعراء‌الحلّة؛ محمدباقر بن زین‌العابدین خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء والسداد، قم ۱۳۹۲-۱۳۹۰ ش؛ محمد تقی داشن‌پژوه، اسماعیل حاکمی، نسخه‌های خطی، دفتر بازده و دوازده، تهران ۱۳۶۲ ش؛ محمدبن حسن دبلیس، ارشاد القلوب، بیروت ۱۹۷۸/۱۳۹۸ همو، اعلام‌الدین فی صفات المؤمنین، قم؛ کامل مصطفی شیبی، تشیع و تصرف تا آغاز سده دوازدهم هجری، ترجمه علیرضا ذکارتی فراگزلو، تهران ۱۳۵۹ ش؛ عباس قمی، فراندار‌الرضویه؛ زندگانی علمای مذهب شیعه، تهران [تاریخ مقدمه ۱۳۷۷ ش]؛ کتابخانه ملی ایران، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، ایران، ج ۹، گردآوری عبدالله انوار، تهران ۱۳۵۷ ش؛ ابراهیم بن علی کفمی، المصباح، چاپ افست قم ۱۴۰۵ همو، المقام الأسمى فی تفسیر الأسماء الحسنى، قم ۱۴۱۲ ه؛ غلامرضا گلی زواره، «شیخ حافظ رجب برسی در گرانبهایی در کسیر زواره»، جمهوری اسلامی، ش ۳۲۲۱، پنج شنبه ۴ مرداد ۱۳۶۹؛ محمدباقر بن محمد تقی، بحار الانوار، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ محمدعلی مدرس تبریزی، رسیحانة‌الادب، تهران ۱۳۶۹ ش؛ مدرسه عالی سپهسالار، کتابخانه، فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار، ج ۵، ظلیف محمد تقی داشن‌پژوه و علینقی متزوی، تهران ۱۳۵۶ ش؛ محمد مقصوم بن